



اصناف وزیر اقتصاد خواستار شدند تنفس مالیاتی با مهلت پرداخت معوق مالیات

صفحه ۲

روایت نقش آفرینی سمن های جوانان در روزهای جنگ جوانان، ستون های پنهان تاب آوری در روزهای بحران

صفحه ۸

رشد تقاضا در برابر عقب نشینی سازندگان

مسکن زیر فشار تقاضا و تورم

کالاها، یک نیاز پایه و غیر قابل حذف است. حتی در شرایط بحران نیز این نیاز نه تنها از بین نمی رود، بلکه تشدید هم می شود. سمن ها هم نمی نایبند. بیس اتحادیه مشاوران املاک تهران، در این باره تصریح می کند: باید توجه داشت نیز یافته است...

هنرینه های ساخت این بازار را در وضعیتی شکننده بناپایدار قرار داده است. شرایطی که اگر به درستی مدیریت نشود، می تواند به تعمیق رکود، افزایش قیمت ها و تشدید بحران دسترسی به مسکن منجر شود. مسکن بر خلاف بسیاری از

بازار مسکن ایران در موقعیتی قرار گرفته که می توان آن را با یک چینی دو لبه مقایسه کرد؛ از یک سو افزایش تقاضا به دلیل تخریب بخشی از واحدهای مسکونی و فشارهای تورمی و از سوی دیگر کاهش توان سازندگان به علت رشد



نگاه پزشکیان به نحوه خروج کشور از روزهای سخت

دفاع همه جانبه

بادیلماسی عزتمند

۲

یادداشت - ۱

تطابق با شرایط جدید اقتصادی



محمدحسین ادیب

نظام اقتصادی و بیندینس در ایران و جهان دیگر به شکل سابق نمی تواند ادامه پیدا کند و شرایط جدیدی در اقتصاد ظهور و بروز پیدا می کند. به عبارت روشن تر، در آمد همه فعالان اقتصادی نیز در این شرایط جدید تغییر کرده و به شکل سابق نخواهد بود. این تغییرات به چه شکل است و چه شرایطی را ایجاد می کند؟ طی سال ها و دهه های اخیر مفهومی به نام جهانی شدن اقتصاد شکل گرفته که به نظر من اسم مناسبی نیست و باید واژگان کاربردی تری برای آن انتخاب شود. منظور از جهانی شدن اقتصاد این است که اقتصاد کشورهای مختلف در اقتصاد جهانی ادغام می شود و جهان به سمت یکپارچه شدن می رود. به نظر من لغت نقل معنا پیدا نمی کند و واژه بهتر جهانی شدن قیمت ها است. یعنی اینکه هر فردی در هر نقطه ای از جهان اگر هزینه حمل و نقل را نادیده بگیرد باید از ارزان ترین کسی که آن محصول را ارائه می کند (فازغ از هزینه های حمل و نقل) فقط ۴ درصد گران تر محصول خود را عرضه کند. این ضرورت از سال ۹۶ میلادی ایجاد شد. در سال ۲۰۰۱ نخستین فروپاشی در اقتصاد جهان ایجاد شد و فروپاشی بعدی در واکنش به جهانی شدن قیمت ها در سال ۲۰۰۸ شکل گرفت. با حضور ترامپ برخی تصور کردند نظام تعرفه ای این بازی را به هم زده و جهانی شدن اقتصاد کنار رفته است، اما با رای دادگاه امریکایی در خصوص وتوی نظر ترامپ در باره نظام تعرفه این روند جهانی شدن قیمت ها تداوم پیدا کرد. در ایران هم از زمانی که جهانی شدن قیمت ها آغاز شد با تعرفه های سنگین گمرکی تلاش شد این وضعیت مقابله شود. امسال ایران واردات ته لنجی را با ۵۵ درصد تعرفه آزاد کرد یعنی با تسامح واردات کالا در ایران آزاد شد و در ایران هم جهانی شدن قیمت ها پذیرفته شد. اهل فن می دانند واردات ته لنجی یعنی ۹۰ درصد کالاها ممنوع شده و با تعرفه های بالا تنها با ۵ درصد گمرک وارد کشور می شوند. اتفاقی که در دادگاه های امریکا در خصوص وتوی نظام تعرفه ای اتخاذ شد شبیه همین مجوز ایران برای واردات ته لنجی است. هر دو کشور ملزومات اقتصاد جهانی را پذیرفته و به آن گردن نهاده اند. مساله این است که اقتصاد ایران در اقتصاد منطقه (پاکستان، قزاق، افغانستان، عراق، عمان و...) ادغام شده است. در واقع قیمت ها منطقه ای شده است. یعنی اقتصاد هر کشوری در اقتصاد منطقه ادغام شده است. حال باید دید مبتنی بر تحولات اخیر، اقتصاد جهانی را چطور می توان پیش بینی کرد؟ قیمت ها که جهانی شد و گرانی و کاهش تضعیف یا حذف شدند، باعث کاهش سود در اقتصادها شد. خروجی این بحث کاهش سود فعالان اقتصادی و در کل کاهش سود فعالیت های اقتصادی است. چپ و راست در ایران به این نتیجه رسیده اند که کاهش سود باعث دشواری فعالیت های اقتصادی شده و باید فکری کرد. بسیاری از افراد تصور می کنند باید کسب و کار خود را تعطیل کنند. این تصور اشتباهی است. استانداردهای حسابداری در جهان تغییر کرده است. اساسا نحوه محاسبه سود در ایران باید همراه با ملاحظاتی باشد. اقتصاد جهانی و جهانی شدن قیمت ها می گوید سودی که می توان از بیزینس خارج کرد باید به اندازه ای باشد که فروش کسب و کار به دلار پایین نیاید. سایر مواردی که ذیل عنوان سود فعالیت های اقتصادی محاسبه می شود، سود فیک است. سودی را می توان از شرکت و کسب و کار خارج کرد که ارزش شرکت به دلار پایین نیاید. بورس امریکا ۴۲ هزار میلیارد دلار است، کل سودی که این بازار در سال ۲۰۲۵ خارج کرده است، ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است که حدود یک درصد ارزش کل بورس امریکا را شامل می شود. در نمونه دیگر، بانک های امریکایی در سال قبل ۴۰ هزار میلیارد دلار وام داده اند اما تنها ۲ هزار میلیارد دلار وصولی داشته اند. یعنی بضاعت اقتصاد امریکا برای اینکه وام بدهد و پول بچرخد ۲۰ هزار میلیارد دلار است نه ۴۰ هزار میلیارد دلار. وصولی وام های بانک های ایرانی ماهی ۵ میلیارد دلار است نه بیشتر. برخی ادعا می کنند ۱۰۰ میلیارد دلار وصولی در نظام بانکی ایران وجود دارد که اشتباه است. در یک چنین شرایطی فعالان اقتصادی ایرانی باید خود را با شرایط جدید در اقتصاد ایران، منطقه و جهان تطبیق دهند. تحولاتی که در آن قیمت ها به امری منطقه ای و جهانی بدل شده است، چرا که دیگر اقتصاد محلی و اقتصاد کشوری معنا و مفهومی ندارد.

گفت و گو

علیرضا توکلی کاشی در گفت و گو با «تبادل»: از پشت پرده عدم بازگشایی بورس می گوید

۹۰ درصد شرکت ها آماده بازگشایی اند

کشف قیمت پس از جنگ می تواند به درک دقیق تر از آینده اقتصاد کشور کمک کند

زهرا سلیمانی | در شرایطی که اغلب بازارهای اقتصادی کشور در حال فعالیت هستند، پرسش کلیدی در عرصه اقتصادی کشور این است که چرا بازار سهام کشور مان هنوز فعالیت های خود را آغاز نکرده است؟ در حالی که بازارهای ارز، تتر، طلا و صندوق های در آمد ثابت از اولین روزهای جنگ به فعالیت خود ادامه دادند و انتظارات اقتصادی را به سرعت در قیمت ها منعکس کردند، بورس تهران همچنان در انتظار تصمیمات مقامات برای آغاز فعالیت های خود است. علت این تعطیلی بیش از آنکه ترس از برزش قیمت ها باشد، ابهام در باره میزان آسیب مستقیم و غیر مستقیم شرکت ها از جنگ است. اما دلایل این امر چیست و چرا بازار سرمایه ایران چنین شرایطی دارد؟ علیرضا توکلی کاشی در گفت و گو با «تبادل» با اشاره به این تحولات تاکید می کند اگر شرکت ها صادقانه در حال اعلام کنند چقدر آسیب دیده اند و چه زمانی می توانند به مدار تولید برگردند، بیش از ۹۰ درصد نهادهای بازار سهام و بیش از نیمی از ارزش بازار، همین امروز هم ظرفیت بازگشایی دارند و کشف قیمت پس از جنگ، مهم ترین سیگنال آینده بورس خواهد بود. در روزهای جنگ، برخلاف تصور عمومی، همه بازارها به یک شکل قفل نشده اند. تجربه هفته های اخیر هم این واقعیت را تایید کرده است. توکلی کاشی یادآوری می کند که برخی بازارها از همان روز اول جنگ باز بوده اند و بدون وقفه کار کرده اند. بازار دلار، بازار معاملات طلای جهانی که بارال تسعیر می شد و حتی صندوق های

از شرکت های بورسی مستقیما درگیر تبعات جنگ شده اند مثلا بعضی پتروشیمی ها، شرکت های فولادی یا واحدهایی که در مناطق یا جزیر ههایی قرار گرفته اند که ضربه مستقیم دیده اند اما استان فقط این نیست. گروهی دیگر از شرکت ها به طور غیر مستقیم آسیب دیده اند یا تامین کننده بالادستی شان که باید مواد اولیه را برسانند. از کار افتاده یا مشتری را پایین دستی که فرار است کالای نیمه نهایی را تحویل بگیرد فعالان امکان فعالیت ندارند. کمبود برق یا گاز، توقف موقت خطوط تولید یا آسیب به بخشی از زنجیره همه می تواند شرکتی را که روی کاغذ «سالم» است، عمل زمین گیر کند. نکته مهم اینجاست: بسیاری از این شرکت ها خودشان هم دقیق نمی دانند این وضعیت تا کی ادامه پیدا می کند، چه بخشی از تولیدشان را می توانند حفظ کنند و چه زمانی امکان بازگشت به سطح قبل از جنگ را خواهند داشت. همین ابهام است که تصمیم گیران بازار سرمایه را برای بازگشایی یک باره همه نامدها محتاط کرده است؛ چون بدون شفافیت کافی، قیمت گذاری به شدت احساسی و پرنسب خواهد بود. پیشنهادی که اکنون باید در روزهای جنگ بر خلاف تصور عمومی همه بازارها قفل نشوند. بازار دلار، تتر، معاملات طلای صندوق های در آمد ثابت از همان روزهای اول فعال بودند و انتظارات اقتصادی را خیلی سریع در قیمت ها منعکس کردند. به همین دلیل اکنون در این بازارها اتفاق جدیدی برای کشف وجود ندارد و قیمت ها تا حد زیادی به تعادل رسیده اند. ما بورس شرایط متفاوتی دارد دلیل بسته ماندن آن بیشتر به ابهام در باره وضعیت شرکت ها برمی گردد.

■ **این ابهام دقیقا به چه موضوعی مربوط می شود؟** مساله اصلی این است که هنوز مشخص نیست چه میزان از شرکت های بورسی از جنگ امتثال در زنجیره تولید یا از شرکت های بورسی مستقیما درگیر تبعات جنگ شده اند مثلا بعضی پتروشیمی ها، شرکت های فولادی یا واحدهایی که در مناطق یا جزیر ههایی قرار گرفته اند که ضربه مستقیم دیده اند اما استان فقط این نیست. گروهی دیگر از شرکت ها به طور غیر مستقیم آسیب دیده اند یا تامین کننده بالادستی شان که باید مواد اولیه را برسانند. از کار افتاده یا مشتری را پایین دستی که فرار است کالای نیمه نهایی را تحویل بگیرد فعالان امکان فعالیت ندارند. کمبود برق یا گاز، توقف موقت خطوط تولید یا آسیب به بخشی از زنجیره همه می تواند شرکتی را که روی کاغذ «سالم» است، عمل زمین گیر کند. نکته مهم اینجاست: بسیاری از این شرکت ها خودشان هم دقیق نمی دانند این وضعیت تا کی ادامه پیدا می کند، چه بخشی از تولیدشان را می توانند حفظ کنند و چه زمانی امکان بازگشت به سطح قبل از جنگ را خواهند داشت. همین ابهام است که تصمیم گیران بازار سرمایه را برای بازگشایی یک باره همه نامدها محتاط کرده است؛ چون بدون شفافیت کافی، قیمت گذاری به شدت احساسی و پرنسب خواهد بود. پیشنهادی که اکنون باید در روزهای جنگ بر خلاف تصور عمومی همه بازارها قفل نشوند. بازار دلار، تتر، معاملات طلای صندوق های در آمد ثابت از همان روزهای اول فعال بودند و انتظارات اقتصادی را خیلی سریع در قیمت ها منعکس کردند. به همین دلیل اکنون در این بازارها اتفاق جدیدی برای کشف وجود ندارد و قیمت ها تا حد زیادی به تعادل رسیده اند. ما بورس شرایط متفاوتی دارد دلیل بسته ماندن آن بیشتر به ابهام در باره وضعیت شرکت ها برمی گردد.

■ **برای حل مجموعه این مشکلات چه راهکاری پیشنهاد شده است؟** پیشنهاد کارشناسان این است که شرکت ها به صورت شفاف در سامانه کدال گزارش بدهند. هر شرکت باید در گزارش رسمی که به امضای هیات مدیره می رسد و توسط بازرسی قانونی تایید می شود، چند موضوع را مشخص کند: میزان آسیب ناشی از جنگ، مستقیم یا غیر مستقیم بودن آن زمان احتمالی بازگشت به مدار تولید. این اطلاعات باید برای همه فعالان بازار در دسترس باشد تا تصمیم گیری بر اساس داده های واقعی انجام شود. **ادامه در صفحه ۳**

بازگشایی مشروط بازار سرمایه

ماه های اخیر آسیبی از شرایط جنگی ندیده اند، زنجیره تولید و فروش آنها پایدار بوده و قابلیت ارزش گذاری آنها مخدوش نشده است، می تواند رویکردی منطقی و قابل دفاع باشد. بازگشایی محدود و مرحله ای چنین شرکت هایی، در صورتی که ابزارهای حمایتی و منابع نقدینگی کافی در بازار وجود داشته باشد، نه تنها فشار سیستماتیک ایجاد نمی کند، بلکه می تواند به بازسازی تدریجی اعتماد نیز کمک کند. البته این نوع بازگشایی تنها زمانی قابل اجرائست که پیش شرط های مهمی رعایت شود. نخستین و مهم ترین شرط، انجام شفاف سازی کامل توسط ناشران است. شرکت ها باید گزارش شفاف و قابل اتکایی از وضعیت مالی، بر نامه بودجه سال ۱۴۰۵، سطح

با نزدیک شدن به پایان دوره آنتن سیس و افزایش گمانه زنی ها در باره احتمال بازگشت تنش های امنیتی، موضوع بازگشایی بازار سهام دوباره به یکی از مهم ترین بحث های بازار سرمایه تبدیل شده است. در حال حاضر، فضای عمومی بازار به دو جریان فکری متفاوت تقسیم شده است؛ گروهی معتقدند که بازگشایی بازار در چنین شرایطی می تواند منجر به تشدید هیجانات، فشار فروش و آسیب دیدن اعتماد سرمایه گذاران شود، در حالی



بهناز اکبر پور

تولید، فروش، ریسک های مواجه شده و آثار مستقیم و غیر مستقیم جنگ را رایه دهند. بدون این اطلاعات، هیچ تحلیلی برای سهامداران قابل انجام نیست و قیمت گذاری مبتنی بر هیجان، جایگزین تحلیل می شود. از همین رو الزام به ارائه گزارش های شفاف و تکمیل افشاهای ضروری باید پیش از شروع معاملات عملیاتی شود. از سوی دیگر، بازگشایی موثر زمانی امکان پذیر است که بازار از پشتوانه نقدینگی کافی برخوردار باشد. اگر منابع حمایتی مانند صندوق تثبیت بازار یا سایر نهاد های مالی توان تزریق نقدینگی هفندمدار داشته باشند، بازگشایی تدریجی نماد های سهام می تواند از شوک های قیمتی در حاشیه این...

ادامه در صفحه ۳

صادر کنندگان از فرصت مردمی سازی صنعت و عبور از خام فروشی می گویند
از خاکستر جنگ
تاباز سازی صنعت

«تعادل» وضعیت بورس های جهانی را بررسی می کند

رونق بازار پس از شوک های جنگ

پس از هفته هایی از رکود بی ثباتی ناشی از آغاز جنگ ایران، امریکا و اسرائیل بازارهای مالی جهان بار دیگر نشانه هایی از احیا و بازگشت اعتماد را بروز داده اند. جدیدترین آمارهای منتشر شده نشان می دهد که شرکت ها و سرمایه گذاران بین المللی با وجود تنش های ژئوپلیتیکی، در حال بازگشت به انجام معاملات بزرگ هستند و ارزش کل تراکنش ها روبه افزایش گذاشته است. بر اساس آمار منتشر شده توسط ICGE، ارزش معاملات اعلام شده در سطح جهانی طی هفته دو مارس به حدود ۳۹ میلیارد دلار افت کرده بود.

صفحه ۴ | رابخوانید

یادداشت - ۳

تنگه هر مز و آینده انرژی

تثبیت الگوهای جدید حکمرانی بر شریان های ترانزیستی در فروردین ماه سال ۱۴۰۵ نشان از استقرار یک دکترین نوین در اقتصاد سیاسی ایران دارد که در آن جغرافیا فراتر از یک بیکت یا معبر نظامی، به مثابه یک دارایی سرمایه ای مولد بازتعریف شده است. مدیریت هوشمندانه تردد در تنگه هر مز طی هفته های اخیر پتانسیل های نهفته را آشکار کرد که می تواند تراز تجاری کشور را به طور ساختاری تغییر دهد. زمان آن فرا رسیده است تا امنیت ناوبری به عنوان یک خدمت لجستیکی بین المللی قیمت گذاری شود و ذی نفعان جهانی متناسب با بهره مندی از این ثبات در هزینه های حفظ و توسعه آن مشارکت کنند. حقوق بین الملل در ایاه و کنوانسیون های مرتبط با هدایت ناوبری بسترهای لازم را برای تعریف حق الزحمه خدمات عبوری فراهم کرده اند و ایران می تواند با استناد به نقش کلیدی خود در تامین امنیت و پایش زیست محیطی این آبراه ردیف کند درآمدی جدیدی را در بودجه سالانه متعادل کند که از پایداری بیشتری نسبت به فروش نفت برخوردار باشند. غافلگیری دولت امریکا در مواجهه با افزایش قیمت سوخت در بازارهای داخلی ایالات متحده ناشی از نادیده گرفتن ضرب همبستگی امنیت تنگه هر مز یا میزان تقاضا در بازار انرژی بود در حالی که در داخل ایران ثبات قیمت ها حفظ شد. جهش قیمت بنزین در امریکا نشان داد که مدیری جراحی گونه ایران بر جریان انتقال انرژی توانسته است هزینه های سیاسی و اقتصادی تنش را به طور مستقیم به مصرف کننده غربی منتقل کند. این وضعیت یک اهرم چانه زنی بی نظیر را در اختیار دیپلماسی اقتصادی ایران قرار داده است تا از مدل های سنتی فروش انرژی به سمت مدل های پیشرفته فروش خدمات راهبردی حرکت کند. سهم ایران از بازار چند میلیارد دلاری سوخت رسانی و خدمات فنی در خلیج فارس در حال حاضر بسیار کمتر از ظرفیت های جغرافیایی آن است؛ اما مدیریت فنی از ظرفیت های این بازار فرست را ایجاد کرده تا با انتقال مرکز ثقل لجستیک منطقه به بنادر داخلی در عمل تحریم پذیری اقتصاد کشور به حداقل ممکن برسد، چرا که هیچ قدرتی قادر به تحریم جغرافیا و نیاز ضروری باید پیش از شروع معاملات عملیاتی شود. از سوی دیگر، بازگشایی موثر زمانی امکان پذیر است که بازار از پشتوانه نقدینگی کافی برخوردار باشد. اگر منابع حمایتی مانند صندوق تثبیت بازار یا سایر نهاد های مالی توان تزریق نقدینگی هفندمدار داشته باشند، بازگشایی تدریجی نماد های سهام می تواند از شوک های قیمتی در حاشیه این...

ادامه در صفحه ۳